

طرح قانون اصول محاکمات جزائی

طرح مقدماتی قانون اصول محاکمات جزائی که در کمیسیون رسمی وزارت دادگستری تهیه شده بتدریج در مجموعه حقوقی منتشر میگردد.

از آقایان دادرسان و سایر اهل فن دعوت میشود که نظریات خود را تا یکماه پس از انتشار با اداره فنی وزارت دادگستری ضمن یادداشتی بفرستند تا در شور ثانوی مورد نظر واقع شود.

باب اول کلیات

فصل اول - دعوای جزائی

مبحث اول - دعوای همگانی

ماده ۱ - بزه ممکن است دارای دو جنبه باشد:

۱ - جنبه همگانی از جهت اینکه منحل نظم و حقوق همگانی است و تعقیب آن حق دولت میباشد.

۲ - جنبه خصوصی از جهت اینکه موجب ضرر شخصی است و تعقیب آن حق متضرر میباشد.

ماده ۲ - در مواردی که قانون تعقیب جزائی را موقوف بشکایت یا اجازه کرده مقامات صلاحیت دار فقط پس از شکایت یا اجازه مکلف بتعقیب میباشد و در سایر موارد همینکه اطلاع از وقوع بزه پیدا کنند اقدام بتعقیب مینمایند.

ماده ۳ - مقامات رسمی در مواردیکه باید امر جزائی را تعقیب نمود مراتب را بدادستان اطلاع میدهند.

ماده ۴ - هرگاه در جریان دادرسی حقوقی امری کشف شود که حاکی از وقوع بزه بوده و بخودی خود قابل تعقیب باشد دادرس باید بدادستان شهرستان گزارش بدهد و نتیجه باز جوئی خود و مدارک لازم را نیز ضمیمه نماید و اگر بزه بخودی خود قابل تعقیب نباشد در صورتی دادرس این وظیفه را خواهد داشت که شکایت یا اجازه بعمل آمده باشد.

اگر تعقیب جزائی نسبت بآن بزه شروع شود وثبوت آن بتواند در تصمیمی که دادگاه در دعوی حقوقی اتخاذ می کند مؤثر واقع گردد رسیدگی حقوقی توقیف میشود تا موقعیکه قرار منع تعقیب یا حکم تبرئه قطعی شود یا حکم محکومیت قابل اجرا گردد.

هرگاه تعقیب جزائی قبلاً شروع شده باشد دادگاه حقوقی رسیدگی بکار را بترتیب فوق موقوف میدارد.

ماده ۵ - افرادی که مطابق قانون بدادن خبر مکلفند باید خبر را در ظرف بیست و چهار ساعت و اگر این مقدار تأخیر مستلزم خطری باشد بلافاصله بدادستان شهرستان یا

یکی از ضابطین دادگستری محلی که در آنجا معالجه یا مساعدت کرده اند و اگر هیچیک از اینها در آن محل نباشد یکی از ضابطین نزدیکترین محل بدهند - در خبر باید شخص یا اشخاصیکه باعث دخالت خبر دهنده در معالجه یا مساعدت شده اند و زمان و مکان و سایر اوضاع و احوال مداخله خود و اینکه طرف بزه فعلاً در کجاست و در صورت امکان نشانی ها و مشخصات و هر گونه اطلاعی که بتوان بآب وسیله او را شناخت ذکر شود بعلاوه اموریکه میتوان بوسیله آنها کیفیات بزه و علل و اسباب آنرا معلوم کرد و وسائلی که برای ارتکاب آن بکار رفته و نتایجی که از بزه پیدا شده یا ممکن است بزه بآنها منتهی شود نیز باید ذکر گردد - هر گاه چند نفر در معالجه یا مساعدت و غیره دخالت کرده باشند همه آنها بدادن خبر مکلف و میتوانند هر یک خبر علیحده تنظیم یا همه یک خبر را امضاء کنند ولیکن برای تعقیب جزائی وصول یک خبر کافی است و اهمال یا تأخیر سایرین در تقدیم خبر تعقیب جزائی را بتأخیر نمیندازد.

ماده ۶ - هر کس از وقوع عملی که بخودی خود قابل تعقیب است مطلع شود میتواند هر چند ربطی بخود نداشته باشد آنرا بدادستان یا یکی از ضابطین دادگستری اعلام کند.

ماده ۷ - اعلام ممکن است کتبی باشد یا زبانی - اعلام کتبی را باید اعلام کننده یا کسی که از طرف او اختیار دارد امضاء نماید. اگر اعلام نامتنبی امضاء باشد حکم ماده ۹۹ اعمال میشود. مقامی که اعلام نامه را میگیرد در صورت اقتضاء باز جوئی نموده سپس بدون تأخیر آنرا بدادستان شهرستان یا امین دادگاه بخش میرساند.

ماده ۸ - شکایت کتبی یا زبانی بعمل میآید.

ماده ۹ - شکایت زبانی بی اثر است مگر آنکه در صورت مجلس نوشته شود.

مقامی که شکایت کتبی شاکی را میگیرد در صورت لزوم بتعیین هویت او اقدام میکند.

در مورد مذکور در ماده ۱۲۱ قانون مجازات عمومی (۱) دادستان مکلف است برای صغیر یا مختل المشاعر قیّم معین کند و هرگاه تا تعیین قیّم فوت وقت یا توجه زبان نسبت بصغیر باشد دادستان موقتاً شخصی را به عنوان قیّم اتفافی تعیین میکند و در مواقع ضرورت قبل از تعیین قیّم یا قیّم اتفافی اقدامات فوری تعقیبی را که برای حفظ آثار و دلائل بزه لازم است دستور میدهد ولی ادامه تعقیب منوط است باینکه قیّم صاحب صغیر یا مختل المشاعر را در تعقیب امر تشخیص کند و شکایت نماید. مهلت تقدیم شکایت از روز تعیین قیّم یا قیّم اتفافی شروع میشود ماده ۱۱ - صرف نظر شاکی خصوصی از شکایت کتبی بعمل میآید و اگر زبانی باشد در نزد یکی از ضابطین دادگستری یا در یکی از دفاتر اسناد رسمی بموجب صورت مجلس انجام میگردد هرگاه صرف نظر دارای بوعدی یا مقرون بشرطی باشد بلا اثر است در گذشت نامه میتوان از حق استرداد عین مال یا جبران خسارت نیز صرف نظر کرد.

ماده ۱۲ - در تعقیباتی که اجازه لازم دارد دادسرای شهرستان قبل از صدور هرگونه امری تحصیل اجازه میکند اگر متهم در حین ارتکاب بزه دستگیر شده باشد کسب اجازه فوراً بعمل میآید و در این صورت اگر بزه از آتهائی است که امر توقیف در مورد آنها الزامی است متهم موقتاً توقیف میشود. هرگاه بعد از آنکه متهمی بموجب قرار توقیف شده باشد تحصیل اجازه لزوم پیدا کند نیز بهمین نحو اقدام میشود. اگر اجازه داده نشود قرار منع تعقیب با استناد عدم اجازه صادر میشود. هرگاه متهمین متعدد باشند و برای بعض آنها فقط اجازه لازم باشد و در صدور اجازه تأخیر شود میتوان کار را تفکیک کرده رسیدگی و دادرسی سایرین را تمام کرد.

اجازه تعقیب قابل انغاء میباشد.

ماده ۱۳ - مأمورین انتظامات همگانی برای بزه‌هایی که در حال خدمت و بمناسبت آن بوسیله استعمال اسلحه یا سایر وسایل قهریه مرتکب میشوند بدون اجازه وزیر دادگستری قابل تعقیب نیستند

همین حکم جاریست در باره کسانی که مطابق قانون از آنها استمداد شده باشد و آنها هم مساعدت کرده باشند

(۱) - اگر طرف بزه از چهار ده سال کمتر داشته و یا محجور باشد ولی یا قیّم نداشته و یا ولی یا قیّم او با او اختلاف داشته باشند حق شکایت با قیّم اتفافی است.

همانطور که اجازه برای تعقیب آمر هم استیجاز لازم است ماده ۱۴ - هرگاه صدور قرار منع تعقیب باین جهت بوده که شکایت یا اجازه شرایط قانونی نداشته و یا اصلاً بعمل نیامده این امر مانع تعقیب همان شخص بهمان اتهام نخواهد بود اگرچه قرار منع تعقیب قطعی شده باشد. مشروط بر اینکه شکایت یا اجازه بعداً طبق مقررات قانونی بعمل آمده باشد همین حکم جاری است در صورتیکه قرار منع تعقیب با استناد عدم تحقق یکی دیگر از شرایط تعقیب صادر شده باشد ماده ۱۵ - تعقیب امر جزائی موقوف نمیشود مگر در موارد زیر:

۱ - فوت یا جنون متهم.

۲ - گذشت شاکی خصوصی در مواردیکه گذشت موجب

ترك تعقیب است.

۳ - عفو عمومی.

۴ - مرور زمان.

ماده ۱۶ - هرگاه ثبوت بزه منوط بحل اختلاف

راجع باحوال شخصی و یا حقوق مربوط بغير منقول است و دلائل اقامه ندهد قضیه را آسانی روشن نمینماید ادرس بموجب قرار تعیین میکند که کدام يك از طرفین بدادگاه صالح رجوع نماید و در این قرار مهلتی تعیین میکند که در آن مدت تعقیب جزائی متوقف بماند و در صورت وجود عذر موجهی این مدت فقط يك نوبت تمدید میشود اگر تمدید بعمل نیامد یا در مدت اضافی هم مسئله مورد اختلاف حل نشد ادرس قرار توقیف را الغاء میکند و با حل نمودن قضیه مورد اختلاف رأی خود را میدهد هرگاه رسیدگی بمورد اختلاف در نزد ادرس حقوقی در جریان باشد در این صورت هم ادرس بر طبق مقررات فوق اقدام مینماید، این توقیف مانع عملیات تعقیبی فونی نیست، قرار توقیف فقط قابل پژوهش است و در صورت صدور آن از دادگاههایی که رأی آنها قابل پژوهش نیست قابل فرجام میباشد.

ادله اثبات دعوی حقوقی در مواردی که ادرس جزائی

تبعاً بامر حقوقی رسیدگی میکند همان است که در قوانین مدنی مقرر شده.

ماده ۱۷ - حکم دادگاه حقوقی که قبل از تعقیب

جزائی یا بعد از آن در دعوی بین همان اشخاص راجع بیکدیگر از موضوعات مورد اختلاف مذکور در ماده قبل صادر و قطعی شده باشد در ضمن تعقیب جزائی متبع است. نا تمام